



سازمان گزارش می دهد:

شمارش معکوس بهره برداری راه آهن چابهار- زاهدان

تأکید وزیر راه و شهرسازی بر پایش
مستمر و تحقق برنامه زمان بندی

@Eghtesadsaramad eghtesadsaramad www.Eghtesadsaramad.ir

پنج شنبه - ۲۳ مهر ۱۴۰۵ - سال دوازدهم - شماره ۲۶۱۰ - قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

یادداشت

سوء تفاهم شرق گرایی

امید ایرانی در ادبیات روابط بین الملل، کمتر مفهومی به اندازه «شرق» و «غرب» دچار تحریف معنایی و سوء استفاده سیاسی شده است. آنچه امروز در گفتمان سیاست خارجی ایران با عنوان «نگاه به شرق» مطرح می شود، نه تنها با ریشه های تاریخی و علمی این مفهوم فاصله ای عمیق دارد، بلکه به مثابه پرده ای است که واقعیت های پیچیده نظام بین الملل را پنهان می کند. سیاست خارجی موفق، پیش از آنکه شرقی یا غربی باشد، باید ملی باشد؛ یعنی بر پایه منافع ملی، واقع گرایی و توازن استراتژیک شکل گیرد، نه بر مبنای شعارهای ایدئولوژیک که در بهترین حالت، ابزار مشروعیت بخشی به تصمیمات از پیش گرفته شده هستند. این مقاله می کوشد با بازخوانی انتقادی مفهوم «نگاه به شرق» در بستر تاریخی و نظری، نشان دهد که چگونه سیاست خارجی ایران می تواند از دام ایدئولوژی رها شود و به مسیر منافع ملی باز گردد.

مفهوم «شرق» و «غرب» در طول تاریخ، فراز و نشیب های معنایی متعددی را تجربه کرده است. در دوران باستان، این تقسیم بندی بیش از آنکه جغرافیایی باشد، بازتابی از تفاوت های تمدنی و فرهنگی بود. یونانیان، ایران و سرزمین های شرقی را نماینده «دیگری» می دیدند؛ دیگری ای که هم تهدید بود و هم جذابیت. ادوارد سعید در اثر مشهور خود، «شرق شناسی»، نشان داد که چگونه غرب در طول قرن های هجدهم و نوزدهم، تصویری تحریف شده و اغزوتیک از شرق ساخت که نه بازتابی از واقعیت، بلکه آینه ای از نیازها و خیال پردازی های خود غرب بود. این تصویرسازی، زمینه ساز سلطه استعماری و مشروعیت بخشی به آن شد.

اما آنچه در روابط بین الملل معاصر با عنوان «نگاه به شرق» شناخته می شود، ریشه در شرایط کاملاً متفاوتی دارد. این اصطلاح در ادبیات سیاسی، ابتدا به سیاست «نگاه به شرق» و بلی برانت، صدراعظم آلمان غربی در دهه ۱۹۶۰ اشاره داشت. برانت با اتخاذ این سیاست، در پی تنش زدایی با اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای اروپای شرقی بود. هدف او نه جایگزین کردن شرق به جای غرب، بلکه ایجاد توازن میان روابط آلمان با دو بلوک قدرت بود. «نگاه به شرق» در آن زمینه، به معنای گشودن کانال های ارتباطی جدید برای کاهش تنش و تأمین منافع ملی بود، نه تسلیم شدن به یک اردوگاه ایدئولوژیک.

در دوران جنگ سرد، جهان به دو اردوگاه سیاسی، امنیتی و ایدئولوژیک تقسیم شده بود. اتحاد شوروی رهبری بلوک شرق را بر عهده داشت و ایالات متحده در رأس بلوک غرب قرار گرفت. «شرق» در این چارچوب، نه یک موقعیت جغرافیایی، بلکه یک تعلق ایدئولوژیک به کمونیسم و بلوک سوسیالیستی بود. با فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱، این ساختار دوقطبی از میان رفت و با آن، مفهوم سیاسی «شرق» نیز فروپاشید. امروز نه روسیه رهبر یک بلوک ایدئولوژیک است و نه چین خود را در چنین جایگاهی تعریف می کند. چین یک قدرت اقتصادی است که سیاست خارجی خود را بر پایه منافع ملی تنظیم می کند و روسیه نیز، فارغ از ادعاهای ژئوپلیتیک، دقیقاً همین منطق را دنبال می کند.

آنچه امروز در ایران با عنوان «نگاه به شرق» مطرح می شود، در واقع پاسخی به یک خلأ استراتژیک است، نه یک دکترین منسجم. ریشه های این گرایش را باید در گفتمان «غرب زدگی» جلال آل احمد جستجو کرد.

ادامه در صفحه ۲

سازمان گزارش می دهد:

پایان معطلی های طولانی در مرزها

رئیس جمهور مصوبه حمل یک سره کالا در مرزها را ابلاغ کرد

۳
۷۷



«چین» برنده بزرگ تجارت جهانی؟

رکورد مازاد تجاری چین با اتحادیه اروپا

۷
۷۷